

# بررسی تأثیر گفتمان شعر دفاع مقدس ایران بر گفتمان شعر مقاومت فلسطین، براساس رویکرد مکتب تطبیقی ادبیات آمریکا

محمد رضا سنگری<sup>۱\*</sup>

دانشیار گروه پژوهشی ادبیات دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

شبنم کابینی<sup>۲</sup>

کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس

عثمان ویسی<sup>۳</sup>

کارشناسی ارشد آموزش زبان عربی، دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۰)

صفحات ۱۷۶-۱۵۹

## چکیده

شعر پایداری یکی از مقوله‌های ادبیات جهان است که مفاهیم دینی و الگوهای ایدئولوژیک، خواه آشکار و خواه پنهان، در آن نهادینه شده است؛ از این رو، بررسی تعامل میان گفتمان شعری به خصوص گفتمان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، علاوه بر نشان دادن بسترهای اجتماعی، سیاسی و شرایط جامعه شاعر، رسالت ادبیات دفاع مقدس و چگونگی شکل‌گیری سیر تحول این تعامل را نیز بهتر نشان داده و منجر به درک بهتر این ژانر ادبی و اهداف آن می‌شود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی و به کارگیری مکتب تطبیقی آمریکا، به بررسی تأثیر گفتمان و ایدئولوژی شعر دفاع مقدس بر شعر مقاومت فلسطین در آثار متفاوت ده شاعر مقاومت ایران و فلسطین، جایگاه ایدئولوژیک انقلاب و ارزش‌های برآمده از آن و نحوه بازتاب این گفتمان توسط شاعران هر دو سرزمین، کنش متقابل بین شعر پایداری و پدیده‌های جنگ تحمیلی پرداخته است. بی‌گمان، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و دوران هشت‌ساله دفاع مقدس تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران و جهان، بستری مناسب برای ظهور گفتمان‌های ایدئولوژیک در تمامی حرکت‌های مردمی در جهان است.

**کلمات کلیدی:** گفتمان انقلاب اسلامی ایران، ادبیات پایداری، شعر مقاومت ایران، شعر مقاومت فلسطین، مکتب تطبیقی آمریکا.

۱. \* نویسنده مسئول: sangari@yahoo.com

۲. kabini.shabnam@yahoo.com

۳. sorawan4@gmail.com

## ۱. مقدمه

جمهوری اسلامی معنای واقعی پایداری در مقابل استکبار و استعمار را به جهانیان نشان داد؛ چراکه پایداری یکی از واقعیت‌های مهم زندگی بشری و محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعی بشری، جنگ است. جنگ به دو شکل بروز می‌یابد: داخلی و بیرونی. جنگ داخلی برای نیل به مقصود مورد نظر در برابر ظلم و فساد حکومتی و استبداد داخلی و عدم آزادی بیان است. جنگ خارجی، در عمده موارد به قصد به دست آوردن منابع و سود بیشتر بین ملت‌ها صورت می‌پذیرد؛ برای مثال جنگ تحمیلی ایران و فلسطین از این نمونه جنگ‌ها هستند (ادیبی سده، ۱۳۸۱: ۳۲). پس جنگ یا به حق است و یا ناحق. از این رو، ادبیات حول محور جنگ نیز دوشقی است: ادب مقاومت و پایداری و حماسه، یا ادب جنگ. در ادب پایداری دفاع، جنگیدن علیه ظلم و ستم، کشتن، ویران کردن و کشته شدن موضوعاتی هستند که حاوی ارزش تلقی می‌شوند و از منظر ادب جنگ، این مفاهیم ضدارزش و نفرت آور هستند.

در گفتمان<sup>۱</sup> و اندیشه اسلامی ایرانی، ایدئولوژی مقاومت و پایداری در مقابل تجاوزگران و ظالمان همان ایدئولوژی جهاد است که دارای دو محور است: مذهب اسلام و سیاست کلی رهبر. این دو محور همچون آهن ربایی، مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی را جذب هم کرده است. رهبر ایران، سرزمین ایران را همچون انسانی زنده و مستقل و سرافراز می‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۹۲) و وظیفه هر ایرانی می‌داند که کشور مستحکم، غیرقابل نفوذ، تأثیرناپذیر از دشمن را حفظ کند (همان، ۱۴ فروردین ۱۳۹۲). با این سخنان، رهبر در اذهان عمومی یک الگوی استعاری با ایدئولوژی متفاوت می‌سازد. این سخنان فقط منحصر به ملت ایران نیست. غیر از ملت ایران اجتماع بزرگ تری نیز وجود دارد که امت اسلامی است. همه امت اسلامی از گوشه و کنار دنیا تشکیل یک پیکر واحد می‌دهند که فلسطین اشغالی نیز عضوی آسیب‌دیده از این پیکر است. در اندیشه ایرانی اسلامی، مسلمانان یک خانواده‌اند و همه با هم برابر و برادرند؛ چنان که آیت‌الله خامنه‌ای از آن با لفظ «برادری با ملت‌های مسلمان» یاد می‌کند. حال که رهبران عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، بر مبنای ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران فرقی بین مسلمانان نمی‌گذارند و همه مسلمانان جهان را امتی واحد و برابر و برادر می‌دانند، فلسطینیان و به خصوص شاعران مقاومت آن نیز رهبران ایران را پیشوای دینی خود و سیاست‌های کلی رهبران را نیز رمز پیروزی بر دشمنان اشغالگر و استعمارگر خود می‌دانند و دین اسلام را عامل ایجاد پیوندی مستحکم میان دولت و ملت ایران می‌دانند، از این رو در نیل به پیروزی و غلبه بر دشمن غاصب به این یقین رسیده‌اند که تنها راه منتهی به صبح روشن نجات و پیروزی در سایه تقلید و پیروی از رهبران سیاسی ایران و دین اسلام و پیروی از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران است. به طور کلی، هدف گفتمان انقلاب اسلامی ایران این است که با یکی دانستن امت اسلامی، اندیشه دینی و معرفت دینی در مردم رشد پیدا کند. اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند. در واقع گفتمان از این منظر، ابزاری برای ارائه فکری منسجم و منظم و قابل دفاع مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات یک جامعه می‌باشد که از سوی یک رهبر یا ایدئولوگ و یا فعال سیاسی و یا فرهنگی تبیین می‌گردد و محور جهت‌گیری‌ها قرار می‌گیرد و بر سرنوشت مردم و کشور تأثیر می‌گذارد.

دوره هشت‌ساله دفاع مقدس، بستری مناسب برای ایجاد تحولات و گفتمان‌های مختلف اجتماعی ایجاد کرد. بازتاب این تحولات در شعر دفاع مقدس به صورت گفتمان ایدئولوژیک نمایان می‌شود. نقطه اوج گفتمان ایدئولوژیک، جایگاه ایدئولوژی و ارزش‌های حاصل از انقلاب و جنگ تحمیلی است. تغییر ساختار ارزش‌ها، شخصیت و نقش رهبری

.....  
1. Discourse

امام خمینی (ره)، تحول در عناصر مذهب تشیع و تغییر در ارزش‌های فرهنگی و هنری جامعه، از جمله مهم‌ترین نتایج ایدئولوژی انقلاب است که بازتاب گسترده‌ای در شعر دفاع مقدس داشته است.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

ضیائی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی گفتمان‌های شعر جنگ تحمیلی» به بررسی گفتمان شعر جنگ تحمیلی از منظر جامعه‌شناسی، نحوه انعکاس تحولات اجتماعی در اشعار جنگ در سال‌های (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) پرداخته است. بررسی وی حاکی از این است که گفتمان شعر دفاع مقدس به دو شاخه ایدئولوژیک و انسانی انتقادی تقسیم می‌شود. در گفتمان ایدئولوژیک که خود به زیرشاخه‌های شعاری، شورانگیز، حماسی ملی، حماسی عرفانی، نوستالژیک و... تقسیم می‌شود، آنچه عنصر غالب است ارزش‌های برآمده از انقلاب است؛ در حالی که در گفتمان انسانی انتقادی، بیشتر با نگاهی انسان‌شناسانه و ساختارشکنانه به جنگ نگریسته می‌شود. در این پژوهش، بیشتر جنبه جامعه‌شناختی اشعار جنگ با انواع زیرشاخه‌های حماسی ملی و حماسی عرفانی و... در یک بازه زمانی خاص (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) مدنظر است؛ حال آنکه در پژوهش حاضر به تأثیر گفتمان شعر دوران دفاع مقدس و ارزش‌های برآمده از آن در آثار ده شاعر برجسته ایرانی و فلسطینی، بدون در نظر گرفتن بازه زمانی خاص پرداخته‌ایم.

پورابراهیم (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «استعاره جهاد و پایداری در گفتمان و ایدئولوژی رهبر: رویکرد شناختی»، پانزده سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان جامعه آماری انتخاب کرده و به بررسی مفهوم جهاد، پایداری و مفاهیم مرتبط با آن در گفتمان سیاسی رهبر انقلاب اسلامی در چارچوب نظریه استعاره شناختی پرداخته است. وی به این نتیجه دست یافته که در گفتمان رهبر، استعاره جهاد به‌عنوان استعاره‌ای کلان در زیرساخت اکثر مباحث سیاسی عمل می‌کند. استعاره‌های کلان، فعالیت ثمربخش جنگ/جهاد و از جمله استعاره‌های غالب در بیانات رهبر است. همچنین ماهیت فرهنگی دینی استعاره جهاد باعث ایجاد انسجام آن استعاره و انعطاف در کاربرد مفاهیم مختلف شده است. در این پژوهش بیشتر جنبه شناختی استعاره مفهومی جانسون و لیکاف در گفتمان و سخنرانی رهبر انقلاب مدنظر است؛ حال آنکه در پژوهش حاضر به تأثیر گفتمان شعر دفاع مقدس ایران و نمود آن، هم به‌لحاظ شعری و هم به‌لحاظ فکری، بر اساس اصول مکتب تطبیقی آمریکا در آثار ده شاعر برجسته ایرانی و فلسطینی پرداخته‌ایم.

پرواضح است که تاکنون پژوهشی تطبیقی در زمینه گفتمان ایدئولوژیک اشعار پایداری و همچنین بررسی تأثیر درون‌مایه اشعار دوران دفاع مقدس در شکل‌گیری اشعار مقاومت سایر ملل، به‌خصوص فلسطین، با تکیه بر مکتب تطبیقی آمریکا صورت نگرفته است تا نمودهای شعری، ذهنی و همچنین تأثیر گفتمان، موضوعات و جهان‌بینی مسلط بر اشعار دوران دفاع مقدس بر آثار سایر شاعران مسلمان ادبیات پایداری، از جمله شاعران مقاومت فلسطین، با شواهد شعری از دیوان‌های مختلف شاعران و بدون در نظر گرفتن محدودیت زمانی برای اشعار پایداری شاعران مورد پژوهش، بررسی و تحلیل گردند؛ از این رو، ضرورت پرداختن به موضوع پژوهش حاضر نمایان می‌گردد.

### ۱-۲. چارچوب نظری

در واکنش به مکتب تطبیقی فرانسه، محققان آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم مکتبی به نام مکتب آمریکایی بنیان نهادند که روش آن، نقد مستقیم و بی‌واسطه ادبیات، بدون تکیه بر آثار ادبی خاص و پس‌زمینه تاریخی آن‌ها بود. اهداف این

مکتب، نزدیکی بیشتری با تفکرات گوتته در راستای همکاری‌های میان‌مللی داشت. مکتب تطبیقی آمریکا<sup>۱</sup> که در نیمه دوم سده بیستم سر بر کشیده بود، زیبایی‌شناسی و توجه به نقد و تحلیل را در رأس کار تطبیق‌گری خود قرار داد. مکتب مزبور، ادبیات را پدیده‌ای جهانی و در ارتباط با سایر شاخه‌های دانش انسانی و هنرهای زیبا می‌دانست. نخستین تلاش‌ها در جهت تغییر مفهوم تاریخی ادبیات تطبیقی و اصلاح مضمون آن در سال ۱۹۴۹ انجام گرفت. در این سال منتقد و پژوهشگر برجسته آمریکایی، رنه ولک،<sup>۲</sup> با همکاری آوستن وارن<sup>۳</sup> کتابی با عنوان *نظریه ادبیات تطبیقی* تألیف کردند. وی در سخنرانی تاریخی خود در سال ۱۹۵۸ به شدت از مفهوم تأثیر‌گذاری و اثرپذیری و اصول آن انتقاد کرد (عبود، ۱۹۹۹: ۲۸۸)؛ از این رو رنه ولک، منتقد برجسته آمریکایی، به عنوان پیش‌تاز مکتب آمریکایی شناخته شد. وی در این باره می‌نویسد: «ادبیات تطبیقی بی‌توجه به موانع سیاسی، نژادی و زبانی به بررسی ادبیات می‌پردازد. امکان ندارد که بتوانیم آن را در روش واحدی محصور کنیم... تطبیق‌گری، همچنین نباید در روابط تاریخی محصور بماند؛ چه، پدیده‌های ارزشمند مشابهی در زبان‌ها یا انواع ادبی رایج (در جهان) وجود دارد که با یکدیگر پیوند تاریخی ندارند... نمی‌توان ادبیات را در تاریخ ادبیات محدود کرد و نقد ادبی و ادبیات معاصر را از آن دور نمود» (مکی، ۱۳۸۷: ۹۶). «در مکتب امریکایی، حیطه ارتباطات و تأثیرات ادبی، یکی از زمینه‌های عمده پژوهشی در ادبیات است» (ولک، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۲۳). مهم‌ترین اصول حاکم در این مکتب عبارت‌اند از: «شرط تفاوت زبان و شرط ارتباط تاریخی بین دو ادبیات مورد تطبیق و یا دو اثر ادبی مورد تطبیق، یک شرط ضروری و لازم نیست؛ بررسی میان دو ادبیات و یا بررسی میان یک اثر ادبی با اثر ادبی دیگر از جهات و ابعاد گوناگون امکان‌پذیر است، بدون آنکه میان دو ادبیات و یا دو اثر رابطه تاریخی و فرهنگی باشد و حتی بدون آنکه زبان آن‌ها متفاوت باشد» (لک، ۱۳۹۵: ۳۷).

در مکتب تطبیقی آمریکا آنچه اصالت دارد، تشابه و همانندی است. از نظر پژوهشگران این مکتب، پدیده‌های ادبی، جریان‌های ادبی، مکاتب و گونه‌های ادبی محدود به زبان و مکان نیستند. «ادبیات تطبیقی بدون توجه به موانع سیاسی، نژادی و زبانی به بررسی ادبیات می‌پردازد». بررسی تطبیقی نباید در روابط تاریخی محصور بماند؛ چون پدیده‌های بسیار ارزشمند مشابهی در زبان‌ها یا انواع ادبی رایج (در جهان) وجود دارد که با یکدیگر پیوند تاریخی ندارند. علاوه بر این، ادبیات را نمی‌توان در تاریخ ادبیات محدود کرد و نقد ادبی و ادبیات معاصر را از آن دور نمود» (مکی، ۱۹۸۷: ۱۹۶).

فر کلاف<sup>۴</sup> معتقد است که ساده‌لوحانه خواهد بود اگر گفت‌وگو بین افراد حتی در سطح خرد را مستقل از مسائل گفتمانی همچون قدرت، ایدئولوژی، ساختار اجتماعی و نهادهای اجتماعی بدانیم؛ چرا که زبان و قدرت و زبان و گفتمان با یکدیگر رابطه دیالکتیک دارند، یعنی زبان گفتمان را و گفتمان به‌نوبه خود زبان را می‌سازد. وی معتقد است ساختارهای اجتماعی می‌توانند به‌مثابه عوامل بالقوه‌ای تلقی شوند که در قالب رویدادهای اجتماعی به‌صورت بالفعل تحقق می‌یابند. رابطه بین ساختارها و رویدادهای اجتماعی به‌وسیله اعمال یا کنش‌های اجتماعی برقرار می‌شود. این اعمال اجتماعی بر انتخاب از میان گزینه‌های ممکن بالقوه موجود در ساختارهای اجتماعی بر چگونگی بالفعل تبدیل شدن نظارت دارند. فر کلاف در واقع علاوه بر توصیف، یعنی چستی‌ها و چگونگی‌های متن، به چرایی‌های تولید و مصرف متن و چگونگی اصلاح و تغییر در اجتماع و تقابل گفتمان‌های رقیب با یکدیگر در ایجاد معنا و چگونگی ایجاد ارتقای دانش انتقادی و آگاهی اجتماعی

1 . American Comparative literature School

2 . Rene Wellek

3 . Austin Warren

4 . Fairclough

توده‌های محروم و مستضعف جهت مقاومت کردن و به‌دست آوردن حقوق خود، در مقابل صاحبان قدرت و طبیعی‌زدایی از باورهای متعارف جامعه پرداخت؛ زیرا گفتمان امری اجتماعی است. متون<sup>۱</sup> دارای بار ایدئولوژیکی هستند و گفتمان‌ها نظام‌های معنایی هستند که با تعریف پدیده‌ها، معانی جدید و در نتیجه ایدئولوژی خلق می‌کنند» (فرکلاف، ۱۹۹۲؛ آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۰).

## هدف، بیان مسئله و سؤال

هدف از به‌کارگیری لفظ گفتمان در پژوهش حاضر، در واقع همان ایدئولوژی غالب در ذهن شاعران می‌باشد. برای نیل به این مقصود که متن در درون بافت موقعیتی اجتماعی فرهنگی حاکم میان این دو گروه از شاعران چگونه شکل می‌گیرد و نیز گوینده و مخاطب چگونه در این متن شرکت می‌کنند و چگونه می‌توان معنا و نقش شرکت‌کنندگان و گفته‌هایشان را توصیف نمود، همواره در پی شناسایی این هستیم که بدانیم آیا متون شعری موردنظر در جهت تحکیم و بقای قدرت و گفتمان حاکم تولید شده است و یا در جهت تغییر و اصلاح اجتماعی.

براساس تعاریف و مفاهیمی که در بالا ذکر گردید و با در نظر گرفتن اصول و نشانه‌های گفتمان اشعار پایداری و دیدگاه امت اسلامی واحد مسلمانان در ایدئولوژی ایرانی اسلامی، نگارنده به تشریح و تبیین چگونگی الهام‌بخشی فکری گفتمان اشعار پایداری ایران بر اشعار مقاومت فلسطین پرداخته و براساس رویکرد تطبیقی آمریکایی، عناصر پایداری دینی و معنوی مشترک اشعار مقاومت شاعران دو کشور مورد نقد و تحلیل قرار خواهند گرفت.

## ۲. تحلیل داده‌ها

ایدئولوژی از دو واژه لاتین «ایده» به معنای فکر و ذهن و «لوژی» به معنای شناخت تشکیل شده. این واژه معناهای مختلفی دارد؛ به طوری که اندیشمندان از آن به آرمان، دانش، ایده‌ها، ماهیت و سرچشمه‌های آن، مجموعه‌ای از ایده‌های ویژه سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... معنا کرده‌اند (بريجانيان، ۱۳۷۱: ۳۹۲). بنابراین می‌توان گفت که اصول ایدئولوژیک، به نوعی، فعالیت‌های سیاسی را هدایت کرده و محدوده اقتدار سیاسی و اولویت‌های سیاسی نظام اجتماعی را مشخص می‌سازد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی، ایدئولوژی حاکم بر دوران دفاع مقدس است که تأثیر مستقیم انقلاب و ارزش‌های آن را در ذهن و زبان مردم و بالأخص شاعران مقاومت آشکارا می‌بینیم. از جمله عوامل سازنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی و جنگ، تغییر در ساختار ارزش‌هاست؛ چرا که انقلاب اسلامی ایران یک دگرگونی بنیادی بود و اهداف و آرمان‌های خاص خود را داراست. برجستگی جنبه دینی و مذهبی و تلاش برای بازگشت به ارزش‌های ناب اسلامی، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومان در دنیا، توجه به اخلاق اسلامی، تلاش برای هماهنگی هرچه بیشتر دین و سیاست، برجسته کردن نقش روحانیت در جامعه و در تمام ابعاد زندگی و حکومت از جمله اجزای تشکیل‌دهنده ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. از آنجایی که هر رویداد عظیم یا در معنای محدودتر، هر حوزه معنایی، واژگان و فکر غالب خاص خود را دارد، رویداد تاریخی دفاع مقدس ایران نیز از این امر مستثنا نبوده و مولود یک سری مضامین نوین در عرصه ادبیات مقاومت گردیده است که در زیر به معرفی هریک از آنان می‌پردازیم.

## ۱-۲. امام خمینی (ره)؛ بیدارگر جهان اسلام

مؤثرترین عامل در شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی، گفتمان و هویت ملی بعد از انقلاب، رهبری امام خمینی (ره) است. اطمینان قلبی و متکی بودن به خداوند و تقویت ایمان و سایر معنویات، ایجاد هویت و استقلال سیاسی و مبارزه با هر گونه وابستگی، خواه مادی و خواه فکری و...، اصرار بر ارجحیت ارزش‌های دینی و تأکید بر حاکمیت آنها، ریشه‌کن کردن هر گونه سوءاستفاده‌های اقتصادی، فرهنگی و...، از جمله عناصر اصلی رهبری فکری و سیاسی امام خمینی (ره) است. انقلاب ایران به رهبری امام خمینی (ره) الگوی مولدی برای کلیه جنبش‌های اسلامی در جهان است؛ زیرا نهضتی اسلامی با محور تشیع قادر به براندازی حکومت چندصدساله استکباری سلطنتی شد و از این مجرا مواضع ضد استکباری خود را علیه هر گونه استضعاف مسلمانان جهان، به خصوص فلسطین، با حمایت علنی از مستضعفین مسلمان نشان داد. تبدیل قضیه فلسطین از یک مسئله ناسیونالیستی و کمونیستی به یک قضیه اسلامی، از برجسته‌ترین ارزش‌های برآمده از بطن انقلاب اسلامی ایران است. در واقع، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر شعار «الله اکبر» به عنوان نماد مشترک مسلمانان در نبرد عدالت و ظلم، به ویژه در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس، اهمیت ایستادگی در برابر استکبار جهانی به خصوص آمریکا و اسرائیل نیز به ثمر رسید و با تسریع بیداری اسلامی، بازگشت به اصول دین، اتکا به توانایی‌های مردمی و ایجاد حس اعتماد به نفس، پرهیز از تفرقه قومیتی و ملی و تأکید بر محور وحدت اسلامی، امید به مقاومت را در بین نه تنها مسلمانان، بلکه سایر انسان‌های زیر یوغ استکبار و استعمار تشدید کرد، که نهضت‌های اسلامی پیشین از چنین قدرتی برخوردار نبودند. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی، کمونیسم را طرد و از قضیه فلسطین به عنوان نقطه مشترک امت اسلامی حمایت کرد و به نوعی رهبری جریان حمایت از فلسطین را به دوش گرفت. چنین حمایتی منجر به شکل‌گیری جهاد اسلامی و حماس در راستای مبارزات مردمی مسلحانه اسلامی و انتفاضه در فلسطین اشغالی گردید. در واقع، وجود اشتراکات فراوان سیاسی و فرهنگی میان ایران و فلسطین اشغالی باعث تأثیرپذیری تکاملی فلسطین از ایدئولوژی و گفتمان ادب مقاومت ایران، تکیه بر دین / قدرت الهی / حبل‌الله گردید؛ چرا که در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، دین و سیاست با یکدیگر ارتباط داشته و تفکیک‌ناپذیرند. از طرفی نیز رهبر انقلاب صراحتاً اعلام کرد که اگر خلاف دین الهی رفتار کنید دشمن مشترک مسلمانان، اسرائیل و آمریکا، ایدئولوژی دین اسلام را به حاشیه رانده و بر جامعه مسلمین تسلط پیدا خواهند کرد؛ لذا با ایجاد دگرگونی در کیفیت زندگی مادی و اجتماعی و گرویدن به مدیریت و محوریت دین و وحدت و انسجام اسلامی و جهان‌بینی معنوی متفاوت با عصر تکنولوژی مدرن مادی و ایجاد مردم‌سالاری دینی، با بصیرت راستین و مدیریت بحران‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی و اثبات موضع هژمونی، باید در جهت دفع دشمنان گام برداشت؛ بنابراین، اسلام تنها ابزار کارآمد برای خارج‌شدن فلسطین از بن‌بست مبارزات بی‌سرانجام است. از سخنان فوق مبرهن است که فلسطین زمانی می‌تواند شاهد صبح پیروزی باشد که مطیع، وامدار و پیرو خط رهبری و انقلابی ایران باشد؛ از این رو، شاعران هر دو سرزمین وقتی از وجود مبارک امام خمینی (ره) سخن به میان می‌آورند، در واقع رهبری امام (ره) را با جان و دل قبول داشته و خط مسلم هدایت خویش قرار داده‌اند:

\* عشق ذهنی بود، عینی جلوه کرد / حق به تمثال خمینی جلوه کرد (عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۸۲)

\* حرف تو (امام خمینی (ره)) به شعر ناب پهلو زده است / آرامش تو، به آب پهلو زده است / پیشانی‌ات از سپیده مشهورتر است / چشم تو به آفتاب پهلو زده است (هراتی، ۱۳۸۷: ۶۰)

\* آتشکده آتش دردی ای مرد / اسطوره ایمان و نبردی ای مرد / پهنای زمین عرصه نامردان است / تنها تو در این میانه مردی ای مرد (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

\* بحمدالله با وقوع اعجاز قرن، یعنی انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (ره) و شکستن بت‌های زر و زور و تزویر، تحولی همه‌جانبه در ادبیات ایران و خاورمیانه صورت گرفت (سمیح القاسم، ۱۳۹۴).

## ۲-۲. دفاع مقدس

با به صدا درآمدن ناقوس جنگ تحمیلی و تلفیق غیرت و حمیت ملی ایرانیان، نوعی ایدئولوژی و هویت مستقل برای گفتمان دفاع مقدس ایران پدید آمد که در آن شاهد رشد ارزش‌های دینی جنگ تحمیلی و ایدئولوژی انقلابی اسلامی به عنوان عامل تغییردهنده گفتمان و ساختار فکری جامعه برای دفاع از کیان ملی و ایجاد وحدت بین ایرانیان و در حد وسیع مفهوم کلمه، برای مسلمانان جهان بودیم؛ از این رو، نمود گسترده گفتمان ایدئولوژیک انقلاب در تغییر و تحولات ژانرهای مختلف ادبی و هنری از قبیل اشعار دفاع مقدس، ادبیات پایداری، فیلم‌ها و سریال‌ها، خاطره‌نویسی‌ها، داستان‌ها و رمان‌ها و... زمان جنگ و پساجنگ کاملاً محسوس است. مقصود هنرمندان از هر طیفی نشان دادن عظمت روح، ایمان راسخ و ایستادگی مردم و رزمندگان در برابر ظلم، استعمار و دشمنان است. هنرمندان در حد توان خود برای ماندگاری آثار که خلق می‌کردند و به عبارت دیگر، مردمی شدن آثارشان، یک سری واژگان بدیع متناسب با حال و هوای جبهه، جنگ و کشور نیز خلق می‌کردند؛ واژه‌هایی چون امام، ظالم، مبارزه، ایثار، بسیج، استعمار، عدالت و... تا هم تأثیر بیشتری بر اذهان عمومی داشته باشند و هم نقشی مؤثر در بزرگداشت جبهه حق علیه باطل ایفا کنند. از این رو، با به کارگیری نمادهای اسطوره‌ای با بار معنایی مثبت و منفی و خلق تصاویر حماسی، شور حماسی را در رگ هر وطن‌پرست مبارزی شعله‌ور می‌سازند. از جمله مفاهیمی که شاعران در انتقال آن به مخاطب از هم پیشی می‌گرفتند، موضوعاتی چون ستایش وطن، ستایش مبارزه در راه وطن (از طریق به کارگیری واژگانی که در حوزه معنایی جنگ با هم هم‌آبی دارند، مثل فشنگ، موشک، دشمن، حمله، هجوم، خون، رگبار، پیروزی، رزمنده و حسرت بازماندن از کاروان شهدا و نداشتن توفیق شهادت، حسرت دورافتادن از یاران و هم‌رزمان، حسرت پایان یافتن جنگ... شهید، شهادت و ترسیم افق‌های روشن پیروزی، ظهور منجی‌ای که نوید صبح روشن است، بیگانه‌ستیزی، سرزنش اندیشه‌های روشن‌فکرانه، توجه عمیق به مضامین دینی (از طریق به کارگیری واژگانی چون شهید، ایمان، جهاد، مهدی موعود، انتظار) و گرایش به آرمان‌های انقلابی و به خصوص آرمان‌های امام خمینی (ره) بود (سنگری، ۱۳۹۳: ۳۴). از جمله این تغییرات حاصل از گفتمان ایدئولوژیک انقلاب می‌توان به تحولات زیر اشاره کرد:

### الف. ستایش وطن

\* دیگران را بگذار! / دل به آفتاب بسپار / نگاه کن چگونه هر بامداد / صبور و سربلند / از شانه‌های خاکستری صبح بالا می‌آید (هراتی، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

\* خوشا آنان که جانان می‌شناسند / طریق عشق و ایمان می‌شناسند / بسی گفتیم و گفتند از شهیدان / شهیدان را شهیدان می‌شناسند (قزوه، ۱۳۹۱).

\* طرح کمرنگی است در یادم هنوز / من به یاد دشت آبادم (وطن) هنوز (امین پور، ۱۳۷۴: ۴۸).

\* سرزمین سبزه‌گیر خوب من / جلگه سکرآور مرطوب من / من تو را گم کرده بودم در غروب / من نمی‌دانستم ای خاک خوب (عزیزی، ۱۳۶۹: ۲۲۰): ستایش وطن.

\* وطنی لیس حقه / و أنا لیس مسافر / إننی العاشق و الأرض حبیبة (درویش، ۱۹۸۹: ۳۴۷): ستایش وطن.

\* یا فلسطینِ اطمینی / أنا والدار و أولادی قرايين خلاصک / نحن من أجلك نحيا و نموت (فدوی طوقان، ۱۹۷۸: ۵۴۵): ابراز عشق به وطن.

\* على الصلبان مسيه / بلادی زهره الدنيا و عود الند / عروس في زمان السلم مسيه / دمایها حمایها، و دمع القهر فوق الخد / احاطوها باسلاك العبوديه / و شادوا بينها سدا و بين الشمس شادوا سد (القاسم، ۱۹۹۴: ۴۴): وصف وطن در بند.

\* دیننا حبک یا هذا الوطن / سرنا فيه سواء و العن (ابراهیم طوقان، ۱۹۹۳: ۲۶۲): عشق به وطن، نشان ایمان است.

#### ب. واژگان مرتبط با جنگ و جبهه

\* ... / زیر معلم (امام راحل(ره)) / فرمانده من است / سنگر، کلاس ماست / ما با گچ فشنگ / همواره بی درنگ نوشتیم: / «پروزمی شویم» / تخته سیاه ما / قلب سیاه دشمن اسلام است (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۶۵).

\* ... / والمری، تانک، شیخون، شور شلمچه، تب کارون / رقص منور، شب مجنون، گریه هور و غم ارونند... / می خورد ترکش بر جانش، فریاد می زد چشمانش / دارم می سوزم مردم! دربندم، دربند، دربند (قزوه).

\* فریاد بلند جنگ تا پیروزی / از حنجره تفنگمان می آید (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

\* می خواستم شعری برای جنگ بگویم / شعری برای شهر خودم، دزفول! / دیدم که لفظ ناخوش موشک را باید به کار برد... (امین پور، ۱۳۹۳: ۳۸۹ تا ۳۸۵).

\* تا خاک شود بر کف پای تو نشیند / ای خون شهیدان نظری سوی حنا کن (عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

\* پیشروی کنید؛ با موشک های کینه پیشروی کنید؛ و با نفرهای سربازانتان؛ اما آسمان بالای سرتان جهنم و زمین زیر پانتان جهنم (القاسم، ۱۳۹۳، ج ۳: ۱۵۹): به کارگیری واژه موشک، نفربر، سرباز.

\* ... / لا لیل فی لیلنا المتألی بالمدفعية / ... / لانخلف من أریز الرصاص! التصق بالتراب لتنجو! سننجو و نلعو علی جبل فی... الشمال، و نرجح حین یعود الجنود إلی أهلهم فی البعید و... (درویش، ج ۱: ۱۷۸): اشاره به واژه توپ تانک، تیر، سربازان.

\* یا قوم لیس عدوکم / ممن یلین و یرحم / یا قوم لیس أمامکم إلا الجلاء فحزموا (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۳۴۳): به کارگیری واژه دشمن.

\* فإذا احترقت علی صلیب عبادتی / أصبحت قدیسا... بزى مقاتل (درویش، ۱۹۸۹: ۲۴۰): به کارگیری واژه مبارز.

\* هذه الأرض إمراة / فی الأخادید و فی الأرحام / سر الخصب واحد / قوة السر التی تبت نخلًا و سنابل / تبت الشعب المقاتل (فدوی طوقان، ۱۹۸۸: ۴۱۸): به کارگیری واژه مبارز.

\* لا تقولوا لی: انتصرنا... / ان هذا النصر شر من هزيمة / نحن لا ننظر للسطح، و کینا... (زیاد، ۱۹۹۴: ۳۲): به کارگیری واژه نصر.

#### پ. حسرت بازماندن از کاروان سرخ شهادت

\* ای تیغ سرخ زخم کجا می روی چنین / محض رضای عشق، مرا انتخاب کن (هراتی، ۱۳۶۸: ۹۹).

\* نه، این دل سزاوار ماندن نبود / سزاوار ماندن دل من نبود / من از انتهای جنون آمدم / من از زیر باران خون آمدم / از آنجا که پرواز یعنی خدا / سرانجام و آغاز یعنی خدا (قزوه، ۱۳۸۹: ۲۷۶).



- \* قرار بود شما تا خدا مرا ببرید/ شما قبول نکردید یا خدا اجازه نداد؟ (امین پور، ۱۳۶۴: ۱۳۳).
- \* با مردم شب دیده به دیدن نرسیدیم/ تا صبح دمی هم به دمیدن نرسیدیم/ کالیم که سرسبز دل از شاخه بریدیم/ تا حادثه سرخ رسیدن نرسیدیم/ شمعیم که تا شعله کشیدن نرسیدیم (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۲۷).
- ت. ستایش شهید و شهادت
- \* ز بس فرشته به تشییع لاله آمد و رفت/ صدای مبهم برخورد بال می آید (امین پور، ۱۳۶۴: ۷۸).
- \* جنس مردان خدا (شهیدان) را از شهادت باک نیست (عزیزی، ۱۳۷۲: ۲۴۲).
- \* زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت، حیثیت مرگ را به بازی نگرفت (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱۱): وصف شهیدان.
- \* و چشمان تو معبدی/ که ابرها، نماز باران را در آن سجده می کنند... از خلأ نامعلوم تری/ دست هایی که با نیت مکاشفه/ در تو سفر کردند/ حیران در شیب جمجمه ایستادند/ تو آن اشاره ای که بر براق طوفان نشسته ای... (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).
- \* کجایی ای جنونم ای جنونم؟/ شکست افتاده در سقف و ستونم/ کجایی ای من از من رهیده؟/ بچرخانم چو تیغ آب دیده/ رهی دارم که پایانش عدم نیست/ اگر عالم شود شمشیر غم نیست (قزوه، ۱۳۸۹: ۲۶۱).
- \* أجسادهم فی تربة الأوطان/ أرواحهم فی جنة الرضوان/ هناك لا شكوری من الطغیان/ و هناك فیض العفو و الغفران (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۲۸۵): توصیف جاودانگی شهید؛ ساکنین عرش امن ملکوت.
- \* إرفعه ارفعه/ فوق أعناق الرجال/ و اذروه فی جبین الل/ لیل نجماً فی الأعلى/ ای أم لم تزرد/ ای رأس غیر عالی/ ای طفل لم یردد/ عاش أبطال النزال/ و شهید لیس یفنی/ راقد فی کل بال (زیاد، ۱۹۹۴: ۱۵۹): شهیدان فناپذیرند.
- \* نسرأ فنسراً/ غالهم وحش الظلام (فدوی طوقان، ۱۹۸۸: ۵۵۹): روح شهید همچون شاهینی شجاع و دلیر است.
- \* لدی یا صدیقه/ زنا بق حمراء/ ألوانها الدماء/ من القدس العتیقه! (القاسم، ج ۱: ۲۸۶): در وصف شهید.
- \* ذبل العاشق عینه/ و أعطی یده السمراء للحناء/.../ و علی سقف الزغارید تجیء الطائرات/ طائرات/ طائرات/ تخطف العاشق من حضن الفراشة/ و منادیل الحداد (درویش، ۱۹۸۹: ۵۸۳ تا ۵۸۴): ستایش مبارزان و شهیدان.
- \* وکل ما یمکن أن تمنحه أمومه/ یا ولدی، یا غرسه کریمه/ أقتلعت من أرضها کریمه/ أذهب، فما أعز منك یابنی إلا الأرض.../ فی أرض لن یقهرها الموت/ أبدا لن یقهرها الموت (فدوی طوقان، ۱۹۸۷: ۵۱۰): شهادت و ایثار؛ وظیفه ای مقدس.

#### ث. حس قومیت گرایی و به کارگیری اساطیر

- \* عصرها پانکی هایی که روی پل هزارویک شب می لویدند... علیه مازیار و بابک و افشین شعارهای جمال عبدالناصری می دادند (عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).
- \* دیشب یک سبد پر سیاهوشان از باغ توحید/ برای این دل مسموم جوشاندم/ تا تو بیایی (هراتی، ۱۳۸۴: ۴۸).
- \* اما خلق، این، کاوه، کاوه، کاوه خلاق/ این دشمنان خونی ضحاک/ دیدند «خورشیدشان»/ خردک شرار مختصری بود (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۸).

\* نگاهت (امام‌زمان (عج)) شمع آجین می کند جان غزالان را / غمت عین القضاتی می کند عقل غزالی را / چه جامی می دهی تنهایی ما را جلال‌الدین! (قزوه).

\* و طالت صرخه‌ی الأجيال للأجيال! / معتصماه! (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۲۲۵): حفظ هویت سرزمین عرب از طریق حفظ میراث فرهنگی تاریخی آن.

\* هنوز باد پیشگو / هر صبح به در خانه من / خانه اندوهگین من می آید و می گوید: / وقتی گردش فصل کامل شد و موسم باران رسید، او می آید در طلیعه بهاران، با کاروان گل و شکوفه باز خواهد گشت (فدوی طوقان، ۱۹۸۷: ۲۰۵): کلمات پایان شعر، یادآور اسطوره «آدونیس» و رستاخیزش در بهار است.

\* ذاك الذي وقفن عن جنبيه / خلت ملوك الأرض في برديه / أو الأنام تحت أخمصيه / قبل اسجدي خاشعة لديه / (فالمتنبی) سید المکان (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۵۳۱): متنبی، نماد مردم رنج کشیده فلسطین؛ و اخشیدی، نماد رهبران فرومایه در جهان عرب.

ج. جامعه آرمانی حاصل از ظهور منجی

\* صبحی دگر می آید ای شب زنده‌داران / از قله‌های پرغبار روزگاران / از بیکران سبز اقیانوس غیبت / می آید او تا ساحل چشم‌انتظاران / آید به گوش از آسمان: این است مهدی! (حسینی، ۱۳۹۱: ۳۱).

\* ستجلی الغمرة یا موطنی / و یسمح الفجر غواشی الظلم / و الأمل الظامی مهما ذوی / لسوف یروی بلهیب الدم... (فدوی طوقان، ۱۹۷۸: ۱۰۳): شب ظلمت به پایان خواهد رسید و فجر پیروزی نزدیک است.

\* أحبائي / أنا بالورد و الحلوی / و كل الحب أنتظر / أنا والأرض و / و عين الماء والزيتون و الزهر / أنا بالورد و الحلوی / و كل الحب أنتظر / و أقرب هبة الريح التي / تأتي من الشرق (زیاد، ۱۹۹۴: ۳): همه اجزای هستی در انتظار منجی هستند.

\* وطنی، إنا ولدنا و کبرنا بجراحك / و أكلنا شجر البلوط / کی نشهد میلاد صباحك (درویش، ج ۱: ۴۸۲): امید به صبح پیروزی.

\* لابد یا لبنان / و بعد الردی و الردم / و بعد العدی و الدم / بعد الشجن و الشر / لابد ما یخضر / قلبك؟ (القاسم، ج ۳: ۲۸): آینده امن و امان در راه است.

\* کلنا یطرب / لانتصار الأبی (وطن) / / این جیش العدا / إن دعا للجهاد / أصبحوا أعبدا / بالسیوف الحداد (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۵۱۸): طلوع صبح پیروزی و امید به آزادی فلسطین.

### ۲-۳. تحول در عناصر مذهب شیعه

این تحول و تأثیر آن بر زندگی روزمره ایران‌زمین شامل تغییر ایدئولوژیک در مذهب تشیع به دلیل وجود مفاهیمی چون عدالت اجتماعی (نکوهش بی تفاوتی نسبت به ظلم بر قشر ضعیف، نکوهش نسل‌کشی)، شهادت، انتظار، منجی‌گرایی و بسیج نیروهای انقلابی و مبارز و واقعه کربلاست؛ واقعه‌ای که در آن مبارزه برای سربازان و مبارزان مکلف و غیور ایرانی وظیفه‌ای دینی محسوب شده و حماسه تاریخی عاشورا برای آنان یادآور تکرار بیعت با امام حسین (ع) در جنگی تمام‌عیار علیه ظلم و فساد حاکم و تحقق آرمان‌شهر حاصل از پیروزی پس از آن است. در آثار شاعران فلسطین نیز تأثیر این نوع تغییرات مشهود است.

### الف. انتظار و منجی‌گرایی

\* چون تشنه به آب ناب دل می‌بندم / بر خنده ماهتاب دل می‌بندم / ای روشنی تمام، تا ظهر ظهور / چون

صبح به آفتاب دل می‌بندم (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۲۱).

\* این شبه و آدینه به تکرار، مرا کشت/ تا چند صبوری کنم ای جمعه ناگاه (اشاره به انتظار برای ظهور حضرت مهدی (عج)) (قزوه).

\* ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید/ آن که در دستش کلید شهر پرآینه دارد (امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۹).

\* كَبُوَةٌ هَدَىٰ وَ كَمْ يُحَدِّثُ أَنْ يَكْبُوَ الْهَمَامُ/ مِنْ أَجْلِ عَشْرِ لِلْأَمَامِ (توفیق زیاد، ۱۹۹۴: ۴۰): اعتقاد به ظهور منجی.

\* و فی لیل رمادی رأینا الكوكب الفضی (درویش، ۱۹۸۹: ۵۰): اعتقاد به ظهور منجی.

\* و النای صب النغم/ و بثه فی الوهاد/ كز فرۀ الأشواق/ غب الفراق/ نسی الطیر همه حین غنی/ قلمما یستقر هم الطروب (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۵۰۰): دمیدن صبح پیروزی با آمدن منجی.

ب. سیره و زندگی ائمه شیعه

\* گریه بر فرق عدالت کن که فاق/ می‌شود از زهر شمشیر نفاق (عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۲): در وصف عدالت مولای متقیان، حضرت علی(ع).

\* و رتیلی برگزیده از میان قبیله‌های زهر آگین/ از دیوار وحی/ بالا خزید/ آن سوی دیوار/ برق ذوالفقار/ چشم مریض شما را کور کرد (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۸ تا ۸۷): در وصف مولای متقیان، حضرت علی(ع).

\* ... تو از الله اکبر آمدی، از اشهد ان لا.../ شهادت می‌دهم معراج یعنی چشم‌های تو/ شهادت می‌دهم چشم تو یعنی سوره اسرا/ غریبه نیستی، .../ دلم سرد است و شب‌هایم همه سرد است،/ یا خورشید/ ببین سیلاب اشکم بسته شد یا قبه الخضراء... (قزوه): در وصف حضرت محمد(ص).

\* زهرا شدی که نام علی را علم کنی/ پنهان شدی که هر دو جهان را حرم کنی (قزوه، ۱۳۹۳): وصف بانوی دو عالم.

\* ای سوره اعراف من، ای قبله هشتم/ در ظلمت من پنجره‌ای باز کن از نور/ ای طوس تو میقات همه چله‌نشینان/ آبی تری از نور، درخشان تری از طور (قزوه): در وصف امام‌رضا(ع).

\* زین ولایت هر که باغی می‌خرد/ در دل اول نام زهرا می‌برد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۲۹): وصف بانوی دو عالم.

\* نزل الكتاب علی النبی لمحمد/ ما یصنع الخطباء و الشعراء (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۳۱۱): پیامبر اکرم(ص); شریعتمدار و اسوه دین و ارزش‌های اسلامی.

\* رسول علی جبل/ غادرته القبائل وحیداً بعبداً (القاسم، ۲۰۰۴، ج ۳: ۲۷۱): در وصف حضرت محمد(ص)، فرستاده‌ای که قبیله‌ها او را در دوردست‌ها، تنها رها کردند.

\* أرید محمد العرب/ نعم من أنت/ سجین فی بلادی/ بلا أرض/ بلا علم/ بلا بیت/ رموا أهلی إلی المنفی/ و جاؤوا یشترون النار من صوتی/ لأخرج من ظلام السجن.../ ما أفعل؟/ تجد السجن و الجان/ فإن حلاوة الايمان/ تذب مرارة الحنظل. حبقوق (نبی بنی اسرائیل).../ کفی یا ابنی/ علی قلبی حکایتکم/ علی قلبی سکاکن (درویش، ۱۹۸۹: ۱۵۶): در وصف حضرت محمد(ص).

پ. بسیج و فراخوانی نیروهای انقلابی به مبارزه و مقاومت

\* آتش محضیم منافق همدار/ پولاد از این کوچه به‌نرمی گذرد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵۳): ایستادگی تا پای جان در دفاع از وطن.

- \* این کاروان چه مؤذن خوش صدایی دارد: / به همراهم گفتم: / من با کدام کاروان به مقصد می‌رسم؟ / گفت: ... کاروانی که به سمت برنگشتن می‌رود (هراتی، ۱۳۸۴: ۷۶).
- \* شبانگه با کدام امید می‌خواند جرس ما را / به امید رهایی راه را چون باد می‌رفتم / رها می‌کرد اگر یک لحظه زنجیر هوس ما را (قزوه).
- \* اینان / هرچند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۸): مقاومت و دلیری ملت جنگ‌زده ایران علیه دشمن.
- \* نجوع... نغری... نتحدی / ننشد الأشعار / ونمأ الشوارع الغضاب بالمظاهرات / ونمأ السجون كبرياء / و نصنع الأطفال... جيلاً ثائراً... وراء جيل / هنا باقون / و نزرع الأفكار، كالخمير في العجين / هنا... لنا ماضٍ... و حاضر... و مستقبل (زیاد، ۱۹۹۴: ۱۰): مبارزه و ایستادگی در راه وطن.
- \* ما زالت في الأرض حجاره / ما زالت بضع زجاجات فارغه / نقذفها في وجه الدبابات (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۳۶۸): تأکید بر ادامه مبارزه برای دفاع و آزادی وطن.
- \* قمت أثور مع الثائرين / لأحطم نير عبوديتي / وأرخص تحت عجاج الكفاح / دمائي من أجل حریتي / و حاربت يا ليل، حاربت من أجل / حرية الوطن العربي... / سأبقى أكافح صلب الجناح / بوجه الحياة الجریء القدم / و إني حطمتني الحياة فحسبي / أني صمدت فلم أنهزم... / يكافح مثلي لأجل الخلاص / و یرنو إلى عالم أفضل (فدوی طوقان، ۱۹۸۷: ۲۸۷): مبارزه طلبی برای آزادی.
- \* يا قوم ليس عدوكم / ممن يلين و یرحم / يا قوم ليس أمامكم إلا الجلاء فحزموا (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۳۴۳): دعوت به مبارزه.
- \* وصية الدم تستغيث بأن نقاوم... أن نقاوم... أن نقاوم (درویش، الشعر الفلسطيني، ۳۶۸): تأکید بر مقاومت تا صبح پیروزی.

#### ت. واقعة عاشورا و کربلا

- \* سر جدا پیکر جدا افتاده است / بر زمین نعش خدا افتاده است / گودی تن قتلگاه جان شده است / جسم محبوب خدا عریان شده است (عزیزی، ۱۳۷۲: ۶۷۳): در وصف امام حسین (ع).
- \* قلم از غم دلی بی‌تاب دارد / که این تصویر از خون قاب دارد / گلوی تشنه خون خدا را / لب تیغی دریغا آب دارد (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۸۲).
- \* تو آن راز رشیدی (حضرت عباس (ع)) / که روزی فرات / بر لب ت آورد / و ساعتی بعد / در باران متواتر پولاد / بریده بریده / افشا شدی (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۸).
- \* دلیل مرتضی! شبه پیامبر! گریه زهرا! تو را محکم‌ترین تفسیر «إنما» دیدم (قزوه، ۱۳۵۸): در وصف امام حسین (ع).
- \* ز آن دست که چون پرنده بی‌تاب افتاد / بر سطح کرخت آب‌ها تاب افتاد / دست تو چو رود تا ابد جاری / ز آن روی که در حمایت آب افتاد (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۶۷): در وصف حضرت عباس (ع).
- \* اقطعوا زندی و اقطعوا ساقی و اقتلوننی... أتحدی (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۱: ۵۳۰): شهادت حضرت عباس (ع).
- \* جام شربت شهادتی که در قبرس نوشانیده شده، تقریباً همانند جامی است که در کربلا به شهیدان نوشانیده شده است (ابراهیم طوقان، قصیده الشریف حسین، ۱۹۹۳).
- \* و حين أحرق فيك / أرى كربلا (درویش، ۱۹۸۹: ۲۹۹): در وصف کربلا.

#### ۲-۴. تغییر در ارزش‌های فرهنگی و هنری جامعه

پس از چشیدن حلاوت پیروزی، به مرور زمان حال‌وهوای جنگ و جبهه و خاطرات و ارزش‌های آن گرد فراموشی به خود گرفتند. به فراموشی سپرده شدن این آرمان‌ها برای کسانی که تلایه‌داران جبهه‌ها بودند و مصائب آن دوران را چون شربتی شیرین به جان خریده بودند، کار ساده‌ای نبود؛ لذا زمان را غنیمت شمرده و به مبارزه با جریان نوبیان، فراموشی ارزش‌ها و مبانی فکری و ایدئولوژیک در جامعه، برخاستند. شاعران مقاومت نیز کمر همت بسته و با چکامه‌های خود قلم غبارروبی از این فراموشی را به دست گرفتند و به سرودن اشعاری با مضامین نکوهش زندگی مدرن مرفهین بی‌درد، نکوهش افول ارزش‌ها، غرب‌ستیزی، صلح‌جهانی‌خواهی و پرهیز از کشتار و نسل‌کشی، بی‌تفاوتی نسبت به حس ناسیونالیستی، بی‌تفاوتی جهانیان نسبت به ظلم علیه مظلومان و... اقدام کردند.

#### الف. افول ارزش‌ها در عصر مدرن و غرب‌ستیزی

\* یا حسین، این عصر، عصر عسرت است / قرن غیبت، قرن غبن و غربت است / عصر لکننت، عصر پرت گیج‌ها / عصر نسل آخر افلیح‌ها / عصر خالی، عصر خولی، عصر خوک / عصر مسخ پاک‌ها با کار پوک / در کجای این تنستان کثیف / می‌توان سر کرد یک شب با لطیف؟ (عزیزی، ۱۳۶۹: ۷۱۶ تا ۷۱۹): افول ارزش‌ها در عصر مدرن.

\* هشدار که باغ، شوره‌زاران نشود / این خانه مکان لاشخواران نشود / میراث گران‌بار شهیدان هشدار / بازچه خیل بی‌تباران نشود (حسینی، ۱۳۶۳: ۱۳۲): افول ارزش‌ها در عصر مدرن.

\* اریستوکراسی با جلیقه مخمل / به پله‌های سازمان ملل / بار انداخته است / و دنیا برگ زیتون تعارف می‌کند. (هراتی، ۱۳۸۳: ۲۰۶): افول ارزش‌ها در عصر مدرن.

\* القبائل لاتستعین بکسری / ولا قیصر / فاستبدلت / بطائفة إبل القافلة (درویش، ۲۰۰۲: ۵۷): غلبه صنعت و مدرنیته بر سنت. شتر نماد سنت گذشته عرب.

\* باعوا البلاد الی أعدائهم طمعاً / بالمال، لکنما أوطانهم باعوا / قد یعدرون لو أن الجوع أرغمهم. و الله ما عطشوا يوماً و لا جاعوا / و بلغه العار عند الجوع تلفظها / نفس لها عن قبول العار رداع / أعداؤنا، منذ أن كانوا، صیافة / و نحن، منذ هبطنا الأرض، زراع (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۲۹۲): خطاب به زمین‌فروشان سودجو؛ افول ارزش‌های میهن‌گرایانه و مقاومتی.

\* و اعداء أطفالنا یضربون / و أصحابنا یکذبون / و لم یبق فی الأرض / غیر الذین / یحبوننا میتین (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۲: ۶۹۶): تصویرسازی از افول ارزش‌های میهن‌پرستانه در قالب خیانت و همکاری برخی از وطن‌فروشان فلسطینی با اسرائیل.

\* وقتی که جنوب را / بمباران کردند / تو در ویلای شمالی‌ات / برای حل کدام جدول بفرنج / از پنجره به دریا / نگاه می‌کردی؟ / بهار می‌پرسد / که باغ را با کدام چشم تماشا کردی / و آب را چگونه تلاوت کردی / و گاهی / دست‌هایت را / برای وجین به مزرعه بردی؟ / تو با چه نیتی به جبهه کمک کردی؟ / در سبوت برای بهار چه داری؟ (هراتی، ۱۳۶۸: ۷۶): افول ارزش‌های جنگ.

\* راستی چرا / در رئای بی‌شمار عاشقان / که بی‌دریغ / خون خویش را نثار می‌کنند / از نثار یک دریغ هم دریغ می‌کنیم (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹): افول ارزش‌ها در بی‌توجهی به ارزش‌های جنگ.

\* ... زمان رفته ولی کرب‌وبلا فرق نکرده است / از عزای حسینی و از فرهنگ عاشورایی، جز پوستی باقی نمانده؛ همه سیاه‌پوش‌اند و سر حسین تشنه لب هنوز روی نیزه‌هاست / زمانه خاک بر سرم، زمانه خاک بر سرت... (قزوه).

\* منذ احتلتهم و شؤم العیش یرهقنا / فقراً و جوراً و إعتسافاً و إفساداً / و الیوم من شؤمکم / نبلی بکارثة / هذا هو الطین و الماء الذی زادا (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۳۴۹): غرب‌ستیزی؛ خطاب به انگلیسی‌ها؛ از شروع سلطه اشغالگران در نتیجه همکاری عده‌ای از وطن‌فروشان، فقر و ظلم در نابلس یداد می‌کند.

\* أما سماسرة البلاد فعصبة / عاراً علی أهل البلاد بقاؤها / و من العجائب إن کشفتم قذورهم / أن الجرائد، بعضهن، غطاؤها (ابراهیم طوقان، ۱۹۹۳: ۲۱۲): افول ارزش‌های ناسیونالیستی؛ انتقاد و سرزنش روزنامه‌نگاران به دلیل حمایت از دلالان زمین.

\* أعد لهم ما استطعتم... / و ینشق فی جتتی قمر المرحلة / و أمتشق المقلصلة (درویش، ۱۹۸۹: ۵۳۷): غرب‌ستیزی؛ بهره‌گیری از آیه ۶۰ سوره انفال به منظور از بین بردن ظلم اسرائیل.

\* می‌ترسم شلوارهای «جین» و «چارلی» کار دستانم بدهد / و شکلات‌های انگلیسی دهانمان را ببندد / گاوهای چشم‌چران، آزادانه در خیابان می‌چرند / پسر خوانده‌های مایکل جکسون به دانشگاه می‌روند... (قزوه، ۱۳۹۳): غرب‌ستیزی.

\* در خیابان جمهوری، مردی با لهجه آتاتورک، کروات می‌فروشد، در خیابان جمهوری مارک، دلار، سکه خرید و فروش می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۴۱): افول ارزش‌ها و غرب‌ستیزی.

\* در باغ‌ها جای صنوبر دار می‌رست / بر کتف ظلمت ساقه‌های مار می‌رست / گرگ تعفن در کمین آب‌ها بود / باران اسیر پنجه مرداب‌ها بود (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۹): غرب‌ستیزی و استعمارستیزی.

\* من دیدم / در خیابان شانزه‌لیزه / زیر پای دمکراسی / پوست موز می‌گذارند (هراتی، ۱۳۸۷: ۹۳): غرب‌ستیزی.

#### ب. بی‌توجهی جهانیان به اشغال و ظلم فلسطین

\* صدای اعتراضی نیست اینجا / ابوذرهای زری را می‌پرستند / خوشا آنان که دور از این جماعت / خدای دیگری را می‌پرستند (قزوه، ۱۳۹۰): سرزنش بی‌تفاوتی جهانیان نسبت به ظلم در ابعاد مختلف.

\* تمام توپ‌ها / در غزه فرود می‌آیند / می‌خواهند تو را شهید کنند اسماعیل! (قزوه): اشاره به کشتار مظلومین در فلسطین و ظلم در حق بی‌گناهان.

\* ما به فرعون‌ترین قصر آمدیم / ما به موسایی‌ترین عصر آمدیم / باغداران «فلسطین» مرده‌اند / شاعران «دیر یاسین» مرده‌اند / کس نیارد در قدمگاه هجا / مستحبات شقایق را به جا (عزیزی، ابرهای اجابت، ۹۸): در وصف فلسطین.

\* بالش من سنگین بود از اشک‌های من / با گوشه زمخت لحافم / اشک‌هایم را می‌ستردم / بر دامن مادرم اگر گندم می‌پاشیدم / سبز می‌شد... (هراتی، ۱۳۸۳: ۳۱۳): بی‌تفاوتی نسبت به ظلم در فلسطین.

\* در انتهای کوچه شب، زیر پنجره / قومی نشسته خیره به تصویر پنجره / این سوی شیشه، شیون باران و خشم باد / در پشت شیشه بغض گلوگیر پنجره... (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۴۸): بی‌تفاوتی جهانیان نسبت به اشغال در فلسطین.

\* یا رجال البلاد / یا قادة الأمة / ماذا دهاکم و دهاکم؟ / هل لدیکم سیاسیة غیر هذا القول تحیی من النفوس قواها / صکت الألسن المسامع حتی / لقیتم من ضحیحکم ما کفاها (ابراهیم طوقان، ۲۰۰۵: ۳۰۰): عدالت‌خواهی؛ نبود آزادی در وطن و اعتراض به سکوت رهبران کشور در قبال نفوذ استعمارگران.

\* لیلادنا، وهی القریبة من کلام الله، سقفت من سحاب، لیلادنا، وهی البعیده عن صفات الاسم، خارطة الغیاب، لیلادنا، وهی الصغیره مثل حبة سمسیم، أفق سماوی... وهاویة خفیة، لیلادنا، وهی الفقیره مثل أجنحة القطا، کتب سماویة... وجرح فی الهویة (درویش، ۲۰۰۲: ۴۳): در اثر جنایات صهیونیست، هویت فلسطینی در حال

انقراض.

\* علی الصبان مسیبة / بلادی زهره الدنيا و عود الند / عروس فی زمان السلم مسیبة / دمایاها حمایاها، و دمع القهر فوق الخد / أحاطوها بأسلاك العبودية / و شادوا بينها سداً و بین الشمس شادوا سد (زیاد، ۱۹۹۴: ۲۴): وصف اشغال فلسطین و بی توجهی به ظلم در فلسطین.

\* ها أنذا أبکی، ها أنذا أنذب، ها أنذا اطرق أبواب الأمم المتحدة (أو غیرالمتحدة)، ها أنذا أتقلص، ها أنذا أمتد، ها أنذا أسأل، ها أنذا أغرق، ها أنذا أتمزق، ها أنذا (القاسم، ۱۹۹۳، ج ۴: ۹۴ تا ۹۳): شرایط روحی سمیح در اعتراض به دنیایی که هویت فلسطین و فلسطینی را نادیده می‌گیرد.

\* کم بلاد تهز کم لیس فیها / لکم جیره و لا إخوان / خطبنا لا یهز (شوقی) و لکن / جاء روما فهزه الرومان / خطبنا لا یهز حافظ إبراهيم / لکن تهزه الیابان / ما لمطران یا فلسطین شأن / بک لکن له بنیرون شأن (ابراهیم طوقان، ۱۹۹۳: ۶۷۲): سرزنش شاعران عرب به خاطر بی توجهی و عدم تعهد در برابر مسئله فلسطین و فلسطین.

### پ. صلح خواهی و اعتراض به نسل کشی

\* تموم بچه هامون زیر آوار / وفا مرده، صفا مرده، حیا کو؟ / شکستن حلقه زنجیر ما رو / عمو زنجیر باف! زنجیر ما کو؟ (قزوه، ۱۳۹۰): شاعر در این اشعار بیشتر اعتراض خود را نسبت به نبودن صلح، به خصوص قتل و کشتار بی گناهان، و انسان مداری در قرن معاصر ابراز می‌کند.

\* گفتند آسمان همه جا ابری است / باران زرد / باران شیمیایی / می بارد (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۳۱): اعتراض به نسل کشی؛ بمباران شیمیایی شهرهای ایران.

\* شهیدی که بر خاک می خفت / چنین در دلش می گفت: / اگر فتح این است / که دشمن شکست، / چرا همچنان دشمنی هست؟ (امین پور، ۱۳۸۸: ۱۶): طرحی برای صلح پایدار.

\* کافر از کافر گذشت و گبر یار گبر شد / کاش می شد تا مسلمان از مسلمان بگذرد (قزوه): طرحی برای جلوگیری از مسلمان ستیزی؛ ایجاد صلح.

\* علی صورتی خنجری / و علی خنجری صورتی، کما / بعدنا عن النهر مر المغولی، یا صاحبی، بیننا / کأن القصائد غیم و الأساطیر، لا الشرق شرق / و لا الغرب غرب، توحدا أختوتنا فی غریزة قایل / لا تعائب أخاک، فان البنفسج شاهده القبر (درویش، ۱۹۸۴: ۵۸۴): ظلم ستیزی.

\* روز مرگ من / قاتل در جیبم بلیت‌هایی خواهد یافت / یکی به سوی صلح / یکی به سوی دشت و باران / و دیگری به وجدان بشری / التماس می‌کنم، دورشان نینداز / به تویی که مرا کشته‌ای التماس می‌کنم: برو (القاسم، ۱۳۹۳، ج ۳: ۳۲۱): برقراری صلح و همدلی.

\* الورد أحمل... و السلام الحق / و الحب العمیق / هدی یدی / یا اصدقاء کفأحنا فی کل ضیق / فی کل عرق نابیض / عهد الصدیق إلی الصدیق (زیاد، ۱۹۹۴: ۲۸): دفاع از آزادی و خون شهیدان فلسطین شامل همه مردم می‌شود، صرف نظر از مذهب و اعتقاداتشان؛ چه مسلمان و چه یهودی منصف.

\* و رأی العالم تینا خرافياً / علی باب بلادی / و أنادی: یا حبیبی / من یفک اللغز من یکشف / سر الکلمات؟ (فدوی طوقان، ۲۰۰۵: ۴۳۸): اعتراض به سکوت و بی تفاوتی جهانیان برای پایان دادن به حق کشی و نسل کشی در فلسطین.

\* و غزه لا تبیع البر تقال / لأنه دمها المعلب / کنت أهرب من أزقتها (درویش، ۱۹۸۴، ج ۱: ۴۷۵): اعتراض به فاجعه ۵ ژوئن ۱۹۶۷ (اشغال غزه).

\* قسماً بکل حدیقه محروقه / قسماً بکل مدینه أو قریه / أو شارع أو مصنع / أو منزل أضحی خراباً مقفراً / آیامهم

معدوده / فلیشهدوا / غضب الشعوی بصبر جیسا آحمر (القاسم، ۱۳۹۳ق، ج ۲: ۴۱۲): در وصف جنایت نسل کشی.

### ۳. نتیجه گیری

طبق رویکرد مکتب تطبیقی آمریکا و نقد و تحلیل اشعار شاعران مقاومت دو کشور ایران و فلسطین، این نتیجه حاصل شد که بخش زیادی از موضوعات پایداری که در مجموعه اشعار این شاعران وجود دارد، به هم نزدیک و شبیه هستند؛ زیرا همه شاعران یک درد را حس و آن را بیان کرده‌اند. مهم‌ترین ویژگی و جوه مقاومت در اشعار این شاعران، بروز احساسات تعلق به سرزمین، پایداری مردم و ترسیم اوضاع نابسامان آن‌ها، قومیت‌گرایی، مبارزه تا لحظه‌ای که خون در رگ جاری است برای رهایی و دفع تجاوز دشمن، اعتقاد راسخ به رهبری امام خمینی (ره) در پیشبرد آرمان‌های ناب دفاع از مام میهن و مقاومت در مقابل متجاوزان، ستایش شهادت، ترسیم جنایت‌های دشمن، پیروزی، صلح، آزادی، ترسیم آینده‌ای آرمانی، برقراری صلح و عدالت فراملی است؛ با این تفاوت که آرمانی‌ترین اشعار شاعران ایران مرتبط با ظهور منجی عالم و واقعه عاشورا است. دیدگاه شاعران فلسطین در خصوص آزادی وطن، منجی صبح پیروزی، اسطوره‌های دینی و ملی، تبعید و نژادکشی و نوع مبارزه متفاوت از شاعران مقاومت ایران است. به‌طور کلی، گستره مضامین پرداخته شده نزد ایرانیان بیشتر از اعراب است. در مبحث امید به آینده نیز شاهد تفاوت چشمگیری هستیم؛ فلسطینی‌ها به پیروزی بر دشمن در آینده چشم دوخته‌اند، شاعران ایرانی با نگرشی جهان‌شمول که از ایدئولوژی آنان سرچشمه می‌گیرد، به پیروزی نسل بشر بر جنگ، تجاوز و غارتگری از روی زمین امید دارند. در بحث اعتقاد به منجی نیز اشعار ایرانیان ارتباط تنگاتنگی با اعتقادات مذهبی آن‌ها دارد. نمود انتظار ظهور حضرت مهدی موعود (عج)، امام حسین (ع) و حماسه عظیم عاشورا و یاران عاشورایی که خود ریشه تمامی مقاومت‌های تاریخ بشر است، حضور حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) به‌عنوان حاکمان دینی و اصیل حکومت‌های اسلامی در اشعار شاعران فلسطینی بسیار بسیار کم‌رنگ است که این امر حکایت از ایدئولوژی ضعیف دینی اسلامی آنان دارد. شاعران ایرانی در خصوص به فراموشی سپرده‌شدن ارزش و دستاوردهای جنگ ابراز نگرانی می‌کنند و دغدغه‌های دوران جنگ به دلیل غلبه بر جنگ و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در اشعارشان کم‌رنگ‌تر است؛ ولی شاعران فلسطینی با ادامه جنبش مقاومت ابراز نگرانی بابت کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های مقاومت دارند، به خصوص اینکه بسیاری از فلسطینیان دست از مبارزه برداشته و به همکاری و دوستی و دادوستد با صهیونیست می‌پردازند. آنان همچنین اعتراض خود را در برابر خیانت سران عرب ابراز می‌کنند.

همان‌گونه که ذکر شد زبان سازنده و محصول ایدئولوژی‌ها و انگاره‌هاست و عاملیت تغییر و کنش اجتماعی دارد. در اشعار مقاومت فلسطین نیز ایدئولوژی و «گفتمان انقلاب اسلامی ایران» نقش بارزی دارد. بازنمایی این گفتمان فقط در سطح واژه‌ها نیست؛ بلکه این گفتمان در تمام رفتار و تعاملات اجتماعی آنان دیده می‌شود، تا جایی که به جرئت می‌توان گفت اکثریت درون‌مایه گفتمان انقلاب اسلامی در اشعار آنان موج می‌زند و اشعارشان تحت تأثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی به‌عنوان نهضت انقلابی پیروز و اندیشه‌های امام خمینی (ره) به‌عنوان تنها رهبر مذهبی دنیا قرار دارد. به بیان بهتر، اینکه در زمینه ادبیات پایداری بسیار تحت تأثیر هژمونی انقلاب و ایدئولوژی اسلامی ایرانی قرار دارند و آن را نماد پیروزی و رمز موفقیت می‌دانند. از جمله تأثیرپذیری‌های کلی فلسطین از گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در این موارد نیز خلاصه کرد: ایدئولوژی و عقیده مشترک، دشمن مشترک، طرح ایده وحدت اسلامی، الگوی مردم‌سالاری دینی و مسئله



فلسطین اشغالی. با بررسی و تحلیل گفتمان اشعار پایداری دو سرزمین، این نتیجه حاصل شد که اشعار مقاومت ایران در جهت تحکیم و بقای قدرت، ایدئولوژی و گفتمان حاکم تولید شده است؛ ولی اشعار مقاومت فلسطین در جهت تغییر قدرت حاکم و اصلاح اجتماعی است. از این رو، اشعار مقاومتی تولید شده در دوران هشت سال دفاع مقدس ایران در شکل گیری بافت موقعیتی اجتماعی سیاسی حاکم بر اشعار مقاومت فلسطین در دوران مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران به منظور حفظ و تحکیم وحدت مردمی و ایجاد تغییرات و اصلاحات اساسی اجتماعی، ایجاد ارتقای دانش انتقادی و آگاهی اجتماعی توده‌های مردم برای دفاع از حقوق خود در مقابل صاحبان قدرت و نیل به پیروزی بسیار تأثیرگذار است.

## فهرست منابع

۱. آفاگل زاده، ف. و دیگران (۱۳۸۶). *رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. ادیبی سده، م. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*. تهران: سمت.
۳. امین پور، ق. (۱۳۸۹). *مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور*. ج ۵. تهران: امید.
۴. بریجانیان، م. (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. پورابراهیم، ش. (پاییز و زمستان ۱۳۹۵). *استعاره جهاد و پایداری در گفتمان و ایدئولوژی سیاسی رهبر: رویکرد شناختی*. *نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۸(۱۵).
۶. حسینی، س.ح. (۱۳۸۱). *گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس*. تهران: حوزه هنری.
۷. سنگری، م.ر. (۱۳۹۳). *از نتایج سحر (شعر انقلاب، تعریف، چیستی، ویژگی‌ها و ابعاد)*. تهران: سوره مهر.
۸. شعر و ادبیات پایداری. دسترس پذیر در: [www.fa.islamic sources.com/article](http://www.fa.islamic sources.com/article)
۹. ضیایی، ح. و محمدعلی صفایی سنگری (دی ۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی گفتمان‌های شعری دهه دوم پس از انقلاب اسلامی». *مطالعات ملی*، ۴، ۴۱-۴۵.
۱۰. عزیزی، ا. (۱۳۹۰). *کفش‌های مکاشفه*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). *مجموعه اشعار*. تهران: سوره مهر.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). *شرجی آواز*. تهران: برگ.
۱۳. قزوه، ع.ر.، صفحه اینستاگرام: @qazve.

۱۴. لک، ا. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی ساختار مناظره و گفت‌وگوی قهرمانان در شاهنامه فردوسی، ایلپاد و اُدیسه هومر (برپایه برخی دستاوردهای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی با تکیه بر روش تحلیل گفتمان انتقادی). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۴(۲)، ۱۳۳-۱۷۵.

۱۵. ولک، ر. و آوستن وارن (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: اندیشه‌های عصر نو.

۱۶. هراتی، س. (۱۳۸۳). مجموعه کامل اشعار سلمان هراتی. ج ۲. تهران: دفتر شعر جوان.

۱۷. القاسم، س. (۱۳۹۳ق). دیوان الشاعر العربی المعاصر (الأعمال الكاملة). ج ۳. القاهرة: دارالسعاد الصباح.

۱۸. درویش، م. (۱۹۸۴). الأعمال الشعریة الكاملة. الطبعة الحادیة العشر. بیروت: دارالعودة.

۱۹. زیاده، ت. ا. (۱۹۷۱). الأعمال الشعریة الكاملة (أشد علی آیادیکم. ادفنوا موتاکم وانهضوا. - أغنیات الثورة والغضب). بیروت: دارالعودة.

۲۰. طوقان، ا. (۱۹۹۳). الأعمال الشعریة الكاملة. مقدمه: فدوی طوقان. الطبعة الثالثة. المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.

۲۱. طوقان، ف. (۱۹۹۳). الأعمال الشعریة الكاملة. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.

۲۲. عبود، ع.؛ ماجده ح. و غسان السید (۱۹۹۹). الأدب المقارن، مدخلات نظریة و نصوص و دراسات تطبیقیة. دمشق: جامعة دمشق.

۲۳. مکی، ط. ا. (۱۹۸۷). الأدب المقارن، أصوله، تطوره و مناهجه. قاهره: دارالمعارف.

24. Fairclough. N. (1992). The Dialectics of Discourse.

25. [www.Leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanatarticle=10497](http://www.Leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanatarticle=10497).